

سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی چقدر است؟

برنامه‌های پنجم تا هفتم توسعه نشان می‌دهد که در این زمینه بسیار عقب هستیم. فایبر نوری یکی از زیرساخت‌های اصلی برای توسعه خدمات دیجیتال به حساب می‌آید و بدون آن، ارائه خدمات کارآمد و پایدار دشوار می‌شود. برای ارائه هر سرویس دیجیتال، به زیرساخت‌های مناسب در تمام نقاط کشور نیاز است. بنابراین، عدم توسعه کافی در این زمینه تأثیر زیادی بر پیشرفت و کیفیت خدمات دیجیتال خواهد داشت.

نقش استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوآور در افزایش سهم اقتصاد دیجیتال و (GDP) چیست؟

آن‌ها نقش کلیدی در تسریع فرآیند رسیدن به اهداف دارند. این شرکت‌ها با سرعت عمل و نوآوری خود، زمان دستیابی به نتایج را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهند. این روند تنها مختص به حوزه اقتصاد دیجیتال نیست و می‌تواند در صنایع مختلف نیز مشاهده شود. استارت‌آپ‌ها با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نوآورانه و استفاده از مسیرهای دقیق‌تر و بهینه‌تر، فرآیندها را کوتاه‌تر و کارآمدتر می‌سازند. به این ترتیب، با ایجاد راه‌حل‌های جدید و بهبود یافته، دستیابی به نتایج مطلوب سریع‌تر و مؤثرتر صورت می‌پذیرد.

به نظر شما، آینده اقتصاد دیجیتال در ایران چگونه رقم می‌خورد؟

از آنجایی که نسل جدید به‌طور عمیق با صنعت دیجیتال در ارتباط است، انتظار می‌رود که سهم این بازار به‌طور چشمگیری افزایش یابد. نیازهای روزافزون جامعه و هزینه‌های مرتبط با آن، به همراه مشتریانی که همیشه برای این خدمات وجود دارند، به معنای جایگاه بهتر و بهبود بیشتر در آینده به حساب می‌آید. با این حال، جهت‌گیری رشد این بخش، به سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات کلیدی بستگی دارد. مشاهده می‌کنید که در هر دولتی، با توجه به نقش شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و قوه قضائیه، روند توسعه اقتصاد دیجیتال تحت تأثیر گرایش‌ها، روش‌ها و خط‌مشی‌های مختلف قرار می‌گیرد. به همین دلیل، نمی‌توان انتظار داشت که اقتصاد دیجیتال به‌طور معجزه‌انگیز توسعه یابد. موفقیت این حوزه به‌شدت به فراهم بودن بسترها و شرایط مناسب بستگی دارد. در حالی که نیروی کار زیاد در این حوزه می‌تواند سرعت رشد را افزایش دهد، اعمال نظرات سختگیرانه، سیاست‌های رگولاتوری و عدم هماهنگی و کندی پیشرفت را پدید می‌آورد. پیش‌بینی دقیق آینده این حوزه دشوار به حساب می‌آید اما اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یک ابزار جدی برای رف و دوزدن تحریم‌ها نقش ایفا می‌کند.



اهمیت بیشتری دارد؟

ظرفیت‌های اقتصادی در حوزه دیجیتال به هیچ‌وجه پنهان نیستند. موضوعات زیادی وجود دارند که به وضوح نشان می‌دهند این حوزه از نظر تولید ناخالص داخلی قابلیت ارزش‌آوری دارد. فراتر از شناسایی این ظرفیت‌ها، تمرکز بر ایجاد زیرساخت‌های مناسب و تسهیل‌گری برای حوزه‌های شناسایی شده است، ما نیازی به کشف موضوعات پیچیده و مبهم نداریم. واقعیت‌های موجود به وضوح مشخص هستند و بسیاری از افراد هم‌اکنون در حال بررسی و کار بر روی آن‌ها، اگر این حوزه‌ها حمایت و امکانات لازم برای توسعه و ورود به بازار فراهم شود، افراد و شرکت‌هایی که توانایی و استعداد لازم را دارند، به سمت آن‌ها جذب می‌شوند. در نبود حمایت و تسهیل‌گری، حتی با آگاهی از ظرفیت‌های بالقوه، بسیاری از افراد و شرکت‌ها تمایلی به ورود به این حوزه نخواهند داشت.

آیا زیرساخت‌های فعلی فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران برای حمایت از رشد اقتصاد دیجیتال کافی هستند؟

خیر، ما در حوزه نسل‌های موبایلی عملکرد خوبی داشته‌ایم اما در زمینه زیرساخت‌های غیرموبایلی، به‌ویژه فایبر نوری، وضعیت مناسبی نداریم. بررسی تعهدات دولت در

کار به سمت شفافیت حرکت می‌کند اما این مسئله تهدیدی برای افرادی است که از لایه‌های فساد منتفع می‌شوند. بنابراین، آن‌ها مقاومت کرده و مانعی در برابر بهبود و توسعه می‌تراشند. به همین دلیل، یکی از عوامل کلیدی در توسعه، از بین بردن این گلوگاه‌های منفعت‌زا به حساب می‌آید. این افراد که سودشان در گرو عدم شفافیت و فعالیت‌های سنتی است، تلاش می‌کنند تا همچنان وضعیت فعلی پایدار بماند و منافعشان تضمین شود.

نقش دولت جدید در توسعه اقتصاد دیجیتال و افزایش سهم آن در (GDP) ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر دولتی که بخواهد بازار دیجیتال سهمی واقعی در تولید ناخالص داخلی کشور داشته باشد، باید موانع موجود را برطرف کند و زیرساخت‌ها را توسعه دهد. وقتی در این حوزه با اعمال سلیقه‌های مختلف مواجه هستیم، توسعه زیرساخت‌ها به کندی پیش می‌رود. در چنین شرایطی انتظار افزایش سهم این بخش در (GDP) کمی رُوپایی به نظر می‌رسد. اگر دولت می‌خواهد رویکردی متفاوت را در پیش بگیرد باید در زمینه توسعه زیرساخت‌ها، نقش تسهیل‌گر را ایفا کند. تنها با این اقدامات می‌توان امیدوار بود که سهم بازار دیجیتال در اقتصاد کشور افزایش یابد.

چه موضوعی در ظرفیت‌سازی برای توسعه این بخش

رامین بیات

روزنامه‌نگار

گفت‌وگو

امروزه با توجه به تحولات در حوزه فناوری، سهم اقتصاد دیجیتال در یک اقتصادی جهان روز به روز افزایش می‌یابد. در کشورمان نیز طی سال‌های اخیر بارشده روزافزون کسب‌وکارهای نوین از جمله استارت‌آپ‌ها شاهد سهم روبه‌بالای این بخش در رابطه با اشتغال‌زایی هستیم. با این حال به نظر می‌رسد پتانسیل‌های بالقوه زیادی در دسترس است که می‌تواند بالفعل شود. قدر مسلم این کار نیاز به برنامه‌ریزی و تلاش منسجم دارد تا مقصود موردنظر به دست آید. مهدی غیبی، کارشناس فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال در گفت‌وگو با «آتی‌نو» به کنکاش و بررسی این موضوعات پرداخت.

میزان سهم اقتصاد دیجیتال در یک اقتصادی کشور چقدر است؟

برای ارزیابی سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی، ابتدا باید تعریف مشخصی از (GDP) ارائه دهیم. اقتصاد ایران به‌طور عمده مبتنی بر نفت بوده است. بنابراین تولید ناخالص داخلی ما نیز بر اساس نفت تعیین می‌شود. با در نظر گرفتن این پیش‌فرض، هیچ بخش دیگری نمی‌تواند در مقابل این حجم از تأثیر نفت بر (GDP) مقاومت کند. به نوعی، اقتصاد دیجیتال در حال حاضر سهم قابل توجهی در (GDP) ایران ندارد؛ چراکه تمرکز اصلی شرکت‌های فناوری و استارت‌آپ‌ها بر محور بازار داخلی چرخیده و تعداد کمی از مجموعه‌های اقتصادی هستند که نگاهشان صادرات‌محور است. مهم‌تر از همه، به دلیل مشکلات مرتبط با نقل‌وانتقالات پولی و بانکی، بسیاری از شرکت‌ها تمایلی به تجارت خارجی ندارند.

مهم‌ترین مانع برای توسعه اقتصاد دیجیتال در کشور چیست؟

به نظر می‌توان بزرگ‌ترین مانع توسعه را منافع دلال‌ها قلمداد کرد. در حالی که نیازها همیشه برطرف می‌شود، شیوه این فرایند به میزان امکانات و محدودیت‌های زمانی بستگی دارد. در این روند، لایه‌های فسادزا شکلی می‌گیرند و افرادی که از آن سود می‌برند، هرگز اجازه نمی‌دهند این منافع از بین برود. در این حوزه به دلیل دیجیتالی شدن ابزارها، بنیان

یادداشت

تأمین مالی جمعی، ابزار نوین جذب سرمایه

ندا بشیری

کارشناس بازار سرمایه

تأمین مالی جمعی، نوعی فرآیند جذب سرمایه و جمع‌آوری وجه به‌صورت جمعی برای تمام یا بخشی از یک طرح است که معمولاً در بستر اینترنت انجام می‌شود. مسئله نقدینگی سال‌هاست که برای کسب‌وکارها چالشی اساسی به حساب می‌آید. گواهی مشارکت در جذب مالی جمعی کرافاندینگ‌ها، یکی از ابزارهای سرمایه‌گذاری جایگزین قلمداد می‌شود، به نحوی که بنگاه‌های تولیدی می‌توانند بوروکراسی‌های اداری را کمتر و با سرعت بیشتری، نقدینگی مورد نیاز خود را فراهم کنند. تأمین اعتبار قابل تقسیم به دو بخش است؛ نخست موضوعی که شرکت در آن حوزه سابقه داشته و برای توسعه آن نیاز به منابع دارد، دوم طرح‌های جدیدی که قرار است تازه شروع شوند که معمولاً به‌عنوان طرح‌های ایجادی مورد شناسایی قرار می‌گیرند. حوزه جغرافیایی اجرای طرح باید در داخل کشور باشد اما جمع‌آوری منابع مالی موردنیاز طرح‌ها از تأمین‌کنندگان خارج از کشور نیز بلامانع است. اولین تلاش‌ها برای کرافاندینگ، از سال ۱۳۹۶ با کارگروهی متشکل از وزارتخانه‌های امور اقتصاد و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ارتباطات و فناوری اطلاعات و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تشکیل شد. در نهایت دستورالعمل مربوط به این حوزه در تاریخ اردیبهشت ۹۷ به تصویب شورای عالی بورس رسید. بر همین اساس دبیرخانه کارگروه ارزیابی کرافاندینگ‌ها در فرابورس تشکیل شد. سکو یا پلتفرمی که برای نخستین بار توسعه می‌یابد باید مجوز را از کارگروه ارزیابی کرافاندینگ‌ها دریافت کند. در این بخش (طرح‌ها، روزه‌ها، سابقه‌ها...) به خوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین سایر موارد نظارتی و تعلیق و لغو مجوز فعالیت تأمین مالی جمعی عاملان نیز، به وسیله کارگروه مذکور تصمیم‌گیری می‌شود. کرافاندینگ‌ها جزء سرمایه‌گذاری‌های جایگزین هستند، البته آن‌ها که ریسک کمتری دارند یا بعضاً اصل سرمایه را تضمین می‌کنند تا حد زیادی در کلاس اوراق بدهی نیز قرار می‌گیرند. این نهادها در جهان، بیشتر مخصوص برآورده ساختن بودجه استارت‌آپ‌ها، ایده‌ها و شرکت‌های کوچک و متوسط و با ریسک بالاست؛ چراکه باید وام‌دهی به مؤسسه‌های بزرگ‌تر را بانک‌ها برعهده گرفته و تأمین بودجه واحدهای فناوری و کوچک و متوسط به سمت بورس برود. اکنون در بسیاری از کشورها، نظام سنتی جذب منابع از طریق بانک‌ها به بخش سرمایه‌گذاری‌های جایگزین در بازار سهام سپرده شده است. سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی طی یک‌سال و نیم اخیر موجبات تقویت تأمین مالی از طریق بازار سرمایه را فراهم آورد، به‌طوری‌که اکنون بسیاری از مؤسسات برای این مسئله به سمت بورس حرکت کرده‌اند. در غیاب ابزارهای پوشش ریسک نرخ بهره، امکان دارد شرکت‌های تأمین سرمایه نیز رویکردی چون کاهش سررسیدها، به‌عنوان مثال از چهار سال به دو سال یا کمتر را در پیش گیرند. این درحالی است که امروزه علاوه بر سازمان‌های بزرگ حتی به شرکت‌های بسیار کوچک نیز تأمین سرمایه از طریق بازار سهام پیشنهاد می‌شود. راهکاری که در دنیا برای کمک به آن‌ها مورد توجه قرار گرفته، آسان کردن شرایط ورود به بورس به حساب می‌آید. بازار SME (کسب‌وکارهای کوچک) فرابورس یکی از مصادیق تحقق این امر به شمار می‌رود که ورود مجموعه‌های کوچک و متوسط به بازار سهام را تسهیل کرده است. دو راه برای تجاری‌سازی ایده‌های استارت‌آپ‌ها در فرابورس وجود دارد؛ اگر موضوع فعالیت شرکت فناوری، مالی باشد و در حوزه اقتصاد فناوری فعالیت کند، بهره‌گیری از جنبه شنی «سندباکس» در کسب‌وکارهای نوآورانه مالی می‌تواند مفید باشد. از این طریق، شرکت به اطلاعات و داده‌های قابل اعتماد به‌صورت شفاف دسترسی داشته و صحت فرآیندهای خود را نیز می‌سنجد. در صورتی که حوزه فعالیت یک کسب‌وکار دانش‌بنیان، فین‌تک «فناوری مالی» به حساب نیاید نیز این امکان وجود دارد از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه پذیره‌نویسی شده در فرابورس جذب سرمایه کند و برای تجاری‌سازی ایده خود تأمین بودجه کند.

بررسی یک رویکرد تحولی بر بستر دیجیتال

سکوهای آنلاین وام‌دهی

رسانند. همچنین آن‌ها نیاز به واسطه‌های مالی سنتی مانند بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را کاهش می‌دهند و فرآیند تأمین مالی را تسریع کرده و به هزینه‌های کمتر انجام خواهند داد.

احمدلو ادامه داد: «این روش باعث مشارکت بیشتر جامعه در پروژه‌های مختلف می‌شود و مردم عادی را به سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید و نوآورانه تشویق می‌کند. در این نهادها اعضای جامعه تصمیم می‌گیرند که به کدام پروژه‌ها یا افراد وام اعطا شود. این روش به ارزیابی دقیق‌تر اعتبار و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌انجامد؛ زیرا اشخاص بر اساس آگاهی و اعتماد خود اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند.»

این کارشناس بازار سرمایه توضیح داد: «کرافاندینگ این زمینه را برای کسب‌وکارهای کوچک و استارت‌آپ‌ها، فراهم می‌آورد، تا ایده‌های نوآورانه خود را بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ به مرحله اجرا برسانند و محصولات و خدمات جدیدی را به بازار معرفی کنند.»

احمدلو با اشاره به اینکه لندتک‌ها یا فناوری‌های مالی مرتبط با اعطای وام، در سال‌های اخیر در ایران به‌عنوان بخشی از تحول دیجیتال در صنعت مالی مورد توجه قرار گرفته‌اند، گفت: «توسعه این فناوری‌ها در ایران موجب تسهیل روبه‌ارائه وام و دسترسی به منابع مالی برای افراد و مشاغل می‌شود. با ارائه فرآیند وام دیجیتالی اشخاص بیشتری از وام‌برخوردار می‌شوند؛ حتی کسانی که از نظر جغرافیایی در مناطق دورافتاده هستند یا به بانک‌های سنتی دسترسی ندارند. او یادآور شد: «به‌کارگیری فناوری‌های نوین در روند ارزیابی و اعطای وام می‌تواند زمان لازم برای بررسی درخواست‌ها و صدور وام‌ها را افزایش می‌دهند و به راحتی این امکان را دارند که اطلاعات مربوط به وام‌ها، شرایط آن‌ها و روند تقاضا را ببینند. در نهایت نیز توسعه این ابزارهای نوین می‌تواند به رقابت سالم میان بانک‌ها و مؤسسات مالی منجر شود. بهبود خدمات مالی و کاهش نرخ‌های بهره برای وام‌گیرندگان حاصل این امر است.»



اتفاق امکان دارد منجر به معضلات جدی برای جامعه شود. ضرورت افزایش سواد مالی اشخاص، بررسی تجربه سایر کشورها برای جلوگیری از ایجاد تورم و تله بدهی ناشی از فناوری‌های مالی نوظهور و ایجاد شبکه‌ای یکپارچه میان کسب‌وکارهای وام‌دهی دیجیتال برای به اشتراک گذاشتن داده‌ها موضوعاتی است که باید به آن‌ها پرداخت.

مزایای فناوری‌های نوین در عرصه مالی

مصطفی احمدلو، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «آتی‌نو» با بیان اینکه تأمین مالی جمعی، یکی از نوآوری‌های مالی به حساب می‌آید که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده، گفت: «این مدل اعتباریابی، به افراد و مشاغل امکان می‌دهد که منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق جمع‌آوری کمک‌های مالی کوچک از تعداد زیادی از اشخاص (عموماً از طریق پلتفرم‌های آنلاین) محقق سازند. توسعه آن‌ها در ایران از طریق حضور در بازار سرمایه این توان را دارد که به تسهیل ارائه وام‌ها و دسترسی به منابع مالی کمک کند.»

او با اشاره به اینکه دسترسی آسان‌تر به منابع مالی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهادها قلمداد می‌شود، افزود: «کرافاندینگ‌ها از این قابلیت برخوردارند که به افراد و کسب‌وکارهایی که به وام‌های بانکی دسترسی ندارند یاری

گزارش

مرداد ماه امسال اولین رویداد لندتک ایران با حضور بیش از دو هزار شرکت‌کننده برگزار و در آن اعلام شد که پلتفرم‌های لندتک (سکوی‌های برخط وام‌دهی) و کرافاندینگ (سکوی تأمین مالی جمعی) در سال ۱۴۰۲ در مجموع مبلغی بالغ بر ۲۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات اعطا کردند. پیش‌بینی می‌شود بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان تأمین مالی آن‌ها در سال ۱۴۰۳ باشد. با افزودن بازار سرمایه به وسیله این دو بستر به‌عنوان بازیگران جدید صنعت بانکداری و تغییر مدل کسب‌وکار در این صنعت، افزایش استفاده از منابع بانکی رقم خورد که این مسئله منجر به تثبیت بازیگران جدید در صنعت بانکداری شد. تخصیص کاراتر منابع، سرعت بیشتر و دسترسی بیشتر از نقاط قوت، هزینه بالای تجهیز اعتبار، نبود منابع مالی پایدار و داده‌های بزرگ را می‌توان از نقاط ضعف این پلتفرم‌ها برشمرد. همچنین افزایش ضریب نفوذ این سکوها در جامعه به دلیل سیاست‌های انقباضی بانکی، بازدهی بالاتر و برطرف کردن نیازهای مشتریان، چشم‌انداز آتی این صنعت نوپا به حساب می‌آید.

توزیع عادلانه منابع به واسطه لندتک‌ها

فراگیری مالی یکی از مهم‌ترین تأثیراتی است که فناوری‌های وام‌دهی به‌عهد گرفته‌ن نقش خود در راستای توزیع عادلانه تسهیلات خرد می‌توانند برای جامعه رقم بزنند و موجبات ایجاد رونق در بخش‌های مختلف، به‌ویژه اقتصاد دیجیتال را فراهم آورند. سیستم بانکی طی دهه‌های گذشته در زمینه توزیع عادلانه تسهیلات خرد عملکرد خوبی نداشته، به نحوی که بیش از ۷۰ درصد مردم ایران تاکنون از بانک‌ها وام نگرفته‌اند. در صورتی که فناوری‌های وام‌دهی با بهره‌مند از این ظرفیت، می‌توانند نقش مؤثری در جبران این خلأ داشته باشند. اکنون اقتصاد دیجیتال در زندگی مردم ایران جایگاه قابل توجهی به دست آورده اما تعداد افرادی که به لحاظ اقتصادی ظرفیت به‌کارگیری خدمات و محصولات آن را دارند، به دلیل وضعیت اقتصادی کشور در حال کاهش است. با این حال همچنان لندتک کمک می‌کند این بخش از جامعه بتواند از مزایای تجارت الکترونیک بهره‌برد. این موضوع که شرکت‌های لندتکی خود را به تولیدکنندگان بزرگ نزدیک کنند علاوه بر مزایایی که در زمینه تأمین مالی برای آن‌ها دارد، موجب توسعه قابل توجه اقتصاد دیجیتال و ورود بازیگران بزرگ صنایع به این فضا می‌شود. تحریک تقاضا به